(وَ مِنْ كَلامٍ لَهُ عَلَيْهِ السَّلامُ) فِی ذَمِّ الْبَصرَةِ وَ أَهْلِها: كُنْتُمْ جُنْدَ الْمَرْأَةِ، وَ أَتْبـاعَ الْبَهِيمَةِ، رَغا فَأَجَبْتُمْ، وَ عُقِرَ فَهَرَبْتُمْ، أَخْلاقُكُمْ دِقاقٌ، وَ عَهْدُكُمْ شِقاقٌ، وَ دِينُكُمْ نِفاقٌ، وَ ماؤُكُمْ زُعاقٌ، وَ الْمُقِيمُ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ مُرْتَهَنٌ بِذَنْبِهِ، وَ الـشَّاخِصُ عَـنْكُمْ مُتَدارَكٌ بِرَحْمَةٍ مِنْ رَبِّهِ، كَأَنِّی بِمَسْجِدِكُمْ كَجُؤْجُوءِ سَفِينَةٍ، قَدْ بَعَثَ اللَّـهُ عَلَيْهَـا الْعَذابَ مِنْ فَوْقِها وِ مِن تَحْتِها، وَ غَرِقَ مَنْ فِی ضِمْنِها. و فـی روايـة: وَ ايْـمُ اللَّـهِ لَتُغْرَقَنَّ بَلْدَتُكُمْ حَتّی كَأَنِّی أَنْظُرُ إِلی مَسْجِدِها كَجُؤْجُوءِ سَفِينَةٍ أَوْ نَعامَةٍ جاثِمَةٍ. و فی رواية: كَجُؤْجُوءِ طَيْرٍ فِی لُجَّةِ بَحْرٍ.

سرزنش مردم بصره

عوامل سقوط جامعه (روانشناسی اجتماعی مردم بصره)

شما سپاه یک زن بودید، و پیروان حیوان (شتر عایشه) تـا شـتر صـدا مـی‌کـرد می‌جنگیدید، و تا دست و پای آن قطع گردید فرار کردید، اخلاق شما پـست، و پیمان شما از هم گسسته، دین شما دورویی، و آب آشامیدنی شما شور و ناگوار است، کسی که میان شما زندگی کند به کیفر گناهش گرفتار می‌شود، و آن کس که از شما دوری گزیند مشمول آمرزش پروردگار می‌گردد، گویا مسجد شـما را می‌بینم که چون سینه کشتی غرق‌شده است، که عذاب خدا از بالا و پـایین او را احاطه می‌کند، و سرنشینان آن همه غرق می‌شوند. و در روایتی است: سوگند بـه خدا، سرزمین شما را آب غرق می‌کند، گویا مسجد شما را می‌نگـرم کـه چـون سینه کشتی یا چونان شترمرغی که بر سینه خوابیده باشد بر روی آب مانده است.

و در روایت دیگر: مانند سینه مرغ روی آب دریا. و در روایت دیگری آمده: خاک شهر شما بد بوترین خاکها است، از همه جا به آب نزدیکتر و از آسمان دورتر، و نه دهم شر و فساد در شهر شما نهفته است، کسی که در شهر شما باشد گرفتار گناه، و آنکه بیرون رود در پناه عفو خداست گویی شهر شما را می‌نگرم که غرق‌شده، و آب آن را فرا گرفته، چیزی از آن دیده نمی‌شود، مگر جاهای بلند مسجد، مانند سینه مرغ بر روی امواج آب دریا!